خبر

تایید لایحه الحاق ایران به سازمان شانگهای

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان از تایید لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای در شورای نگهبان خبر داد و گفت: این لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و به شورای نگهبان آمد اما در مرحله قبل با اشکالات و ابهاماتی مواجه شد و عمده ایرادها مربوط به اصول ۱۵ و ۱۷ قانون اساسی بود. سخنگوی شورای نگهبان عنوان کرد: اشکالات و ابهامات هفته گذشته در مجلس برطرف شد و اعضای شورای نگهبان در جلسه‌ای اصلاحات را بررسی کردند و این لایحه را مغایر شرع و قانون اساسی ندانستند. وی اظهار کرد: هر کشوری هم که بخواهد با سازمان همکاری‌های شانگهای کار کند، باید این ضمائم و موافقت‌نامه‌ها را به تصویب برساند. وی ضمائم، موافقت‌نامه‌ها و جزئیات این لایحه را هم این‌گونه برشمرد و گفت: منشور سازمان همکاری‌های شانگهای، اصلاحات همین منشور، معاهده شانگهای در مورد مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و راه‌اندازی فرآیند ایجاد شرایط مطلوب تجاری و سرمایه‌گذاری، مزایا و مصونیت‌های سازمان همکاری‌های شانگهای، مبارزه با موادمخدر و روانگردان، همکاری برخی وزارتخانه‌ها همچون امورخارجه و دادگستری با این سازمان، شرایط متبوع جهت حمل و نقل بین‌المللی جاده‌ای و تنظیم و تهیه بودجه سازمان ازجمله این موارد است.

تحلیل

گزارشی از یک رویارویی حقوقی و تاریخی در استکهلم

وکلای سوئدی حمید نوری در دادگاه تجدیدنظر چه گفتند؟

دادگاه قضایی سوئد که حمید نوری، شهروند ایرانی را با زمینه‌سازی سازمان منافقین به اتهام زندانبانی اعضای این گروه تروریست در سال‌های دهه ۶۰ و در یک روند غیرقضایی و غیرحقوقی و پس از ۹۲ جلسه به حبس ابد محکوم کرده بود در ششمین جلسه دادگاه تجدیدنظر در برابر اولین بخش از دفاعیات محکم حقوقی و تاریخی وکلای سوئدی نوری و تشریح تناقضات موجود در ادله دادستان این پرونده قرار گرفت. وکلای نوری در این جلسه به‌خوبی نشان دادند دادستان، مرحله تحقیقات این پرونده را به‌خوبی طی نکرده و ادله او به جهت نادیده گرفتن برخی شواهد مهم تاریخی قابل اثبات نیستند.

ارائه مستندات پرونده بدون تحقیقات در ایران

وکلای سوئدی در ادامه دفاعیات خود تصریح کردند که به‌طورمعمول دادستان با انجام تحقیقات در محل جرم و مشاهده و بازرسی می‌تواند تحقیقات خود را به‌صورت مستند انجام دهد و به‌عنوان ادله در دادگاه ارائه کند اما دادستان پرونده نوری اساسا امکان تحقیق در مورد اتفاقات ۳۳ سال پیش را در ایران نداشته است.

مبارزات مسلحانه منافقین

وکلای نوری در ادامه به بیان تاریخچه ماهیت تروریستی گروهک منافقین از قبل انقلاب پرداختند و تشریح کردند که آنها بعد از انقلاب از یک سو ایدئولوژی جمهوری اسلامی را قبول نداشتند و از سوی دیگر می‌خواستند سهمی در قدرت داشته باشند اما چون از سوی نظام به رسمیت شناخته نشدند نه بر اساس قانون، سلاح خود را تحویل دادند.

بی‌اعتباری گزارش عفو بین‌الملل

این وکلا با بیان استدلال‌هایی استنادات دادستان به گزارش عفو بین‌الملل با عنوان «اسرار آغشته به خون» را زیر سؤال بردند و تصریح کردند: برابر با اعلام دادستان عالی ایران در سال ۱۹۸۱ همه گروه‌های سیاسی که از سلاح استفاده می‌کردند باید سلاح‌های خود را تحویل می‌دادند و در غیر این صورت غیرقانونی اعلام می‌شدند اما منافقین حتی همزمان با وقوع جنگ ایران و عراق از واگذاری سلاح‌های خود اجتناب کردند.

اعلام جنگ مسلحانه منافقین

در ادامه وکلای حمید نوری با اشاره به اعلام جنگ مسلحانه از سوی مجاهدین با جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۱ توضیح دادند این گروهک در طول این سال‌ها ۷۴ نفر از مسئولان حکومت را ترور کردند.

تروریست اعلام شدن منافقین

وکلا در ادامه دفاعیات خود به این نکته مهم اشاره کردند که مجاهدین نزدیک به یک دهه از طرف غرب تروریست اعلام شدند و این سازمان از سوی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲، از طرف آمریکا در سال ۱۹۹۷، از طرف انگلستان در سال ۲۰۰۱، از طرف کانادا در سال ۲۰۰۵ و از طرف ژاپن در سال ۲۰۰۲، تروریستی اعلام شد که این کشورها بعدها به دلیل روابط سیاسی خود با ایران در این تصمیم تجدیدنظر کردند.

اعلام پایان جنگ و ادامه منازعه از سوی منافقین

وکلای حمید نوری در ادامه دادگاه موضوع اعلام پایان جنگ ایران و عراق، تاریخ آن را یادآور شدند و تاکید کردند بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ از سوی شورای امنیت سازمان ملل، مجاهدین خلق به‌صورت یکجانبه و بدون دخالت عراق با حمله به اسلام‌آباد غرب، باختران و کرمانشاه عملیات فروغ جاویدان را طراحی کردند که البته با عدم همراهی مردم شکست خورد. وکلای نوری در ادامه به تشریح قصد مجاهدین از انجام عملیات فروغ جاویدان پرداختند. آنها عنوان کردند: عملیات فروغ جاویدان یک عملیات تروریستی با هدف ایجاد رعب و وحشت برای طرفداران نظام بود تا با وحشت ایجادشده، جمهوری اسلامی براندازی شود و گروه مجاهدین خلق قدرت را در دست گیرند.

ادعای بی‌اساس فتوا برای اعدام

وکلای حمید نوری در ادامه به بیان بی‌اساس بودن ادله اثبات دعوی مبنی بر فتوای آیت‌ا... خمینی برای اعدام مجاهدین پرداختند. آنها عنوان کردند: در ادله اثبات دعوی به فتوای آیت‌ا... خمینی مبنی بر اعدام طرفداران مجاهدین استناد شده درحالی‌که اساسا فتوایی در این زمینه نبوده که آن زمان مرجع بودند. در این فتوا استناد شده ایشان دستور داده‌اند هر فردی از طرفداران مجاهدین هست باید اعدام شود. باید گفت که آیت‌ا... خمینی اصلا در این زمینه فتوایی صادر نکرده است و استناد دادگاه به خاطرات آقای منتظری با توجه به اختلافات نظر جدی او با آیت‌ا... خمینی قابل استناد نیست چون اگر قرار است دادگاه به این کتاب استناد کند ۹ صفحه بعد از بیان این خاطره را نیز مورد استناد قرار دهد که نویسنده ادعای خود را زیر سؤال می‌برد و می‌نویسند: «این‌که این نامه (فتوا) با دستخط خود آیت‌ا... خمینی بوده یا نه، این در اصل برای من هنوز هم مبهم است.»

برای خواندن متن کامل گزارش بارکد زیر را اسکن کنید.

«جام جم» از نقش اندیشکده‌های آمریکایی در قبال نفوذ منطقه‌ای تهران گزارش می‌دهد

جنگ علیه ایران با برند اندیشکده‌ها

مریم عاقلی
گروه سیاسی

نقش اندیشکده‌ها در آمریکا به مثابه قوه چهارم است، یعنی بعد از نهاد قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی در سیستم این کشور آنها اثرگذاری بسیار بالایی در تعیین سیاست‌گذاری سیاستمداران آمریکایی در حوزه دیپلماسی دارند و در واقع جایگاه اندیشکده‌ها در سپهر سیاسی آمریکا بسیار معتبر است. نقطه کانونی فعالیت آنها هم ناظر به اصلی‌ترین کشوری است که در مواجهه با آمریکا دچار استحاله یا سازش و پذیرش منطق آمریکایی نشده و ازاین رو دغدغه اصلی این اندیشکده‌ها، ایران و راه‌های مهار جمهوری اسلامی است. در واقع اندیشکده‌های آمریکایی در تعیین سیاست خارجی این کشور برای کمرنگ کردن نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نقش پررنگی دارند و در واقع براندازی در پوشش تعامل بهترین توصیف از وضعیتی است که درباره آنها وجود دارد.

بررسی سازوکار و رفتارشناسی اندیشکده‌های آمریکایی نشان می‌دهد سه فاکتور اصلی تعامل، مهار و تغییر راهبردهای اصلی آنها در مواجهه با ایران هستند که البته هر سه، یک هدف دارند و آن هم براندازی جمهوری اسلامی است. یعنی چه انتهای خط تعامل و چه پایان خط مهار به یک چیز می‌رسد؛ براندازی.

البته این هدف در لایه‌های پنهان‌تر اندیشکده‌های آمریکایی با اهداف کوتاه‌مدت مهار ایران، تغییر رفتار و تعامل با کشورمان دنبال می‌شود.

براندازی دال مرکزی اندیشکده‌ها

حتی اندیشکده‌های مستقل هم در راستای منافع ملی آمریکا کار می‌کنند و با وجود اختلاف نظر بین استراتژیست‌ها و اندیشمندان آمریکایی در موارد مختلف آنها در مورد ایران اکثرا اعتقاد به براندازی با شیوه‌های مختلف و گوناگون دارند اما در مورد این‌که ایران یک چالش بزرگ برای آمریکاست آنها با یکدیگر دارای اشتراک نظر هستند.

جالب است اگر بدانید آنچه در اندیشکده‌های آمریکایی می‌گذرد، مستقیما نتیجه خود را در سیاست خارجی آمریکا در وهله اول و سپس در رسانه‌هایی مثل سی‌ان‌ان، واشنگتن‌پست و نیویورک تایمز نشان می‌دهد. البته موضوع براندازی همواره در صدر سیاست خارجی آمریکا در مواجهه با تهران قرار داشته و این یعنی یک جنگ همیشگی در سایه بین دو کشور در جریان است و هیچ فکتی هم نیست که ثابت کند آمریکا این رویه بلند مدت و کلان خود را تغییر خواهد دهد به‌ویژه این‌که حالا سابقه نزدیکی هم از چنین رویکردی وجود دارد و یکی از نمونه‌های اخیر آن نوع رفتار دولت آمریکا در تحولات شهریور تا آذر ۱۴۰۱ است که نه‌فقط اندیشکده‌های این کشور بلکه نشریات آمریکایی هم به صورت ویژه روی موضوع براندازی جمهوری اسلامی کار کردند.

البته رسانه‌های آمریکایی و اندیشکده‌های واشنگتن به یک تقاطع مهم در سه ماه آشوب در ایران رسیده‌اند و در این بافتار عملا پیوستگی مستقیمی بین این دو برقرار است.

آنچه در اندیشکده‌های آمریکایی می‌گذرد مستقیما نتیجه خود را در سیاست خارجی آمریکا در وهله اول و سپس در رسانه‌هایی مثل سی‌ان‌ان واشنگتن‌پست و نیویورک تایمز نشان می‌دهد

ماهیت اندیشکده‌های آمریکایی

اما چرا شناخت کارکرد اندیشکده‌ها مهم است؟ اطلاعات درباره بازیگران موثر در سیاست‌گذاری سیاست خارجی هر کشوری در تبیین و تحلیل اهداف سیاسی خارجی آن کشور اهمیت بالایی دارد، چون با تحلیل ابزارهای تصمیم‌ساز هر کشور می‌توان در مقابله با برنامه‌های آن برنامه‌ریزی دقیق کرد.

این اندیشکده‌ها برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ وارد سپهر سیاسی آمریکا شدند و هدف آنها هم پژوهشی برای ارائه سیاست حل یک مسأله بود. این اندیشکده‌ها نقش واسطه را هم ایفا می‌کنند و به نوعی خروجی محیط‌های آکادمیک را به زبان قابل فهم برای مردم و تصمیم‌گیران سیاسی تبیین می‌کنند.

البته در حال حاضر هیچ رئیس جمهوری در آمریکا نمی‌تواند کرسی اجرایی این کشور را بدون کمک‌های فکری اندیشکده‌ها به دست بگیرد و از این رو اثرگذاری اندیشکده‌های‌شان در تعیین سیاست خارجی این کشور قطعی و غیرقابل انکار است.

اندیشکده‌های آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم در حوزه سیاست‌گذاری خارجی فعالانه وارد عرصه شدند و رخدادهایی مثل مارشال، جهان دوقطبی، کاربرد تصمیمات اتمی، جنگ سرد، فروپاشی شوروی، حمله به عراق و افغانستان و انتخابات مختلف ریاست جمهوری و همچنین جنگ تمدن‌های هانتینگتون را راهبری کردند، اندیشکده‌هایی که حتما اسم آنها را زیاد شنیده‌اید از جمله بنیاد هریتیج، مؤسسه رند، هوور، شورای روابط خارجی آمریکا و ده‌ها اندیشکده فعال دیگر که در این حوزه سیاست خارجی آمریکا را طراحی و راهبری می‌کنند.

اتاق‌های فکر جنگ

برای دانستن اثرگذاری این اندیشکده‌ها در آمریکا کافی است بدانید آنها در باره تصمیم حمله به عراق نقش اصلی را به‌عهده داشتند و مشخصا اندیشکده ابتکار آمریکا که توسط افرادی مثل رئیس مجلس نمایندگان آمریکا و رئیس شورای مشاوران پنتاگون ـ که در دهه ۹۰ میلادی مسئولیت داشتند ـ اداره می‌شود از طراحان اصلی جنگ عراق بودند. هرچند بحث درآمد ناشی از فروش تسلیحات غیر قابل انکار است و به همین دلیل اندیشکده‌هایی همانند رند و امریکن اینترپرایز هم از جمله اتاق‌های فکری هستند که حامی شرکت‌های تسلیحاتی بوده‌اند و رد پای تصمیم‌گیری آنها در جنگ عراق نیز دیده می‌شود.

به هر حال با توجه به نفوذ و گستره قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا اکنون تمرکز اصلی این اندیشکده‌ها با چنین جایگاه مهمی در سیاست بر جایگاه کشورمان متمرکز شده و عملا بر ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه فعال است. به طوری که فقط اندیشکده امریکن اینترپرایز که نقش اثرگذاری در تعیین سیاست خارجی آمریکا دارد بیش از ۷۵ درصد مطالعات خود را به رابطه ایران و غرب آسیا اختصاص داده است.

مهندسی معکوس اندیشکده‌های آمریکا

تحلیل اندیشکده‌های فعال در حوزه ایران نشان می‌دهد آنها چگونه در قبال نفوذ و گستره قدرت جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند.

به عنوان مثال، تعامل اندیشکده‌های آمریکایی برای تعامل با جمهوری اسلامی با استفاده از ظرفیت ایرانیان مقیم آمریکا دنبال شده یا در ساحت دیگری اندیشکده‌های آمریکایی به‌دنبال استفاده از ظرفیت بعضی سیاسیون داخلی ایران هستند که به‌نوعی رادیکال محسوب می‌شوند، یعنی همان سیاستمدارانی که عموما حل شدن مشکل تحریم‌ها را به مذاکره با آمریکا گره زده‌اند.

از سوی دیگر سیاست مهار موسساتی مثل واشنگتن، هادسون و دیگر اندیشکده‌های نومحافظه کار بر سیاست مهار دوجانبه و تحریم متمرکز است و البته چنین سیاستی بیشتر در دوره روسای جمهور جمهوریخواه مثل ترامپ دنبال می‌شود.

خط و خطوط دیپلماسی آمریکایی

تغییر نظام سیاسی در ایران و تاکید اندیشکده‌ها بر شورش و تغییر در حالی است که طی سال‌های اخیر به طرز عیانی این خط در دیپلماسی آمریکایی هم دنبال شده است و نمونه بسیار نزدیک آن بعد از شورش اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ اتفاق افتاد.

بنابراین یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی آمریکا تضعیف جمهوری اسلامی با ایجاد انشقاق داخلی و آمدن نظامی است که حامی سیاست‌های آمریکا باشد و اندیشکده‌های متعدد آمریکایی در حوزه‌های شبکه اجتماعی و عملیات روانی به‌دنبال سیاه‌نمایی و منفی جلوه دادن کارکرد جمهوری اسلامی در بین اقشار خاکستری هستند تا بتوانند با تغییر ذائقه به هدف خود یعنی تغییر نظام یا حداقل کوتاه آمدن نظام جمهوری اسلامی از مواضع ضد آمریکایی خود برسند.

بسیاری از این اندیشکده‌ها حتی جلساتی را در سطح رئیس جمهور و مقامات ارشد دولتی خود با ایرانیان خارج از کشور، معارضان ایرانی و گروه‌های مخالف و اپوزیسیون هم برگزار می‌کنند.

موفقیت ایران در غرب آسیا از نگاه پژوهشگر بروکینگز

سوزان مالونی، پژوهشگر ارشد موسسه بروکینگز پنج عامل محوری را که باعث شده ایران بتواند قدرت و نفوذ خود را در سطح غرب آسیا گسترش دهد برای اندیشکده خود واکاوی کرده که مرور آنها جالب است. او ابتدا مدعی میراث امپریالیستی توسط ایران است و مدعی شده ایران به‌دنبال ایفای نقش فوق‌العاده بزرگ در سراسر غرب آسیاست، او در عین حال به نقش اسلام شیعی اشاره دارد که با انقلاب ۱۳۵۷ یک عامل تعیین کننده به نام نیروی بسیج کننده در منطقه را هم سرمایه‌گذاری کرده و مؤلفه سوم از نگاه این اندیشمند آمریکایی مخالفت با امپریالیسم است به‌ویژه این‌که ایران نه‌فقط هرگز مستعمره نشده بلکه بعد از انقلاب اسلامی سیاست رسمی خود را هم عدم تعهد به شرق و غرب اعلام و دنبال کرده است.

البته این پژوهشگر موسسه بروکینگز، پویایی داخل ایران را هم عاملی می‌داند که تاثیر مستقیمی بر موفقیت رویکردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی داشته است.

از سوی دیگر در حوزه برنامه‌ریزی برای تضعیف منطقه‌ای جمهوری اسلامی محورهایی مانند فشار همه جانبه در حوزه بین‌الملل، سیاست ابهام برای گیج شدن تصمیم‌گیری ایران در منطقه مانند ابهام در زمینه اجرا شدن یا اجرا نشدن برجام و عدم برنامه‌ریزی طبق مذاکرات، ایجاد ائتلاف‌های امنیتی مانند ائتلاف عربی ـ عبری برای مقابله با نفوذ ایران و تلاش برای ایجاد اشتباه محاسباتی در تصمیم سازی‌های جمهوری اسلامی دنبال شده است.

تغییر نظام سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران و تاکید اندیشکده‌ها بر شورش و تغییر در حالی است که طی سال‌های اخیر به طرز عیانی این خط در دیپلماسی آمریکایی هم دنبال شده است

بنابراین سه ضلع مثلث «اندیشکده‌ها، نهادهای تصمیم‌گیر و رسانه‌های آمریکایی» در چارچوب یک هدف مشترک در برابر ایران عمل می‌کنند که هدف نهایی همه آنها براندازی با شیوه‌های مدرن است؛ امری که هیچ‌گاه با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی که مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت است، محقق نخواهد شد.

گفت و گو

گفت‌وگوی «جام جم» با فواد ایزدی، کارشناس حوزه آمریکا

اندیشکده‌ها در رژیم مافیایی آمریکا چگونه عمل می‌کنند؟

فواد ایزدی، تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل درباره نقش اندیشکده‌های آمریکایی در تعیین سیاست خارجی ایالات متحده به خبرنگار جام جم گفت: این نهادها سعی می‌کنند در سیاست‌هایی که اجرا می‌شود، تاثیرگذار باشند و البته باید توجه داشت در ساختار سیاسی آمریکا، پول و منابع مالی حرف اول را می‌زند و به طور معمول، افراد و بنیادهایی که نسبت به برخی از موضوعات مثل خاورمیانه، صهیونیست‌ها و منابع انرژی دغدغه‌هایی دارند درپی آن هستند که برای منافع خود به سیاستمداران در مراحل رسیدن به قدرت و پس از آن کمک کنند تا سیاست‌های تعیین شده از سوی دولت به نفع آنها تمام شود. ایزدی ادامه داد: از آنجا که سیاستمدارانی که به آنها کمک مالی شده است در عمل نمی‌توانند عنوان کنند از فلان بنیاد پول دریافت کرده‌اند در این مرحله، اندیشکده‌ها پا به میدان می‌گذارند و سیاستمداران و مجریان سیاست‌های قوه مجریه عنوان می‌کنند در تنظیم سیاست‌های خود از محتوای ارائه شده اندیشکده‌ها استفاده کرده‌اند.

وابستگی مالی اندیشکده‌ها

وی با اشاره به ظاهر علمی و کارشناسی اندیشکده‌ها تصریح کرد: عقبه مالی این اندیشکده‌ها سرمایه است و اساسا محافل و افرادی که از منابع مالی زیادی برخوردارند هم اقدام به تاسیس اندیشکده و هم به سیاستمداران کمک مالی می‌کنند و در چنین شرایطی کار ویژه این اندیشکده‌ها تولید محتوا و ارائه پیشنهاد به سیاستمداران است. هدف اصلی نهادهای مالی پشت پرده این اندیشکده‌ها نیز این است که با تولید محتوا، جهت سیاستگذاری را به نفع خود تغییر بدهند. در واقع این شیوه کار اندیشکده‌ها از دهه‌های پیش بوده است.

پوسته به ظاهر علمی اندیشکده‌های آمریکا

استاد دانشکده مطالعات جهان درباره شیوه کار اندیشکده‌ها خاطرنشان کرد: محتوایی که این مراکز به ظاهر علمی تولید می‌کنند، کاملا در راستای منافع بانیان مالی است و آنها تحقیقات و پژوهش‌های خود را به عنوان کار کارشناسی به قوه‌مجریه و مقننه ارائه می‌دهند. این مسأله البته به نوع تفوق احزاب دموکرات و جمهوریخواه در فضای سیاسی آمریکا هم بستگی دارد و اگر جمهوریخواهان در راس باشند به طور معمول افرادی را دعوت می‌کنند که به این حزب نزدیکی داشته باشند.

وی در ادامه به وجود اختلاف میان جریان‌های سیاسی و اندیشکده‌ها اشاره کرد و گفت: این منازعات عمدتا در مسائل مربوط به غرب آسیا نمود بیشتری دارد. به عنوان نمونه لابی صهیونیسم طی دهه‌های گذشته این هدف را دنبال می‌کرد که رژیم اشغالگر قدس در حوزه نظامی، توانمندی ویژه‌ای داشته باشد و نسبت به اعراب، برتری رزمی خود را حفظ کند. از سویی دیگر، لابی اعراب هم چنین هدفی را دنبال می‌کند. این اختلافات به ماجرای فروش جنگنده اف ۳۵ به امارات رسید و با این‌که توافق اولیه در این زمینه حاصل شده بود اما لابی رژیم صهیونیستی با توجه به این‌که از قدرت بیشتری در آمریکا برخوردار است برای این موضوع مانع‌تراشی کرد و همین مسأله باعث شد بر سر تحویل نسخه ضعیف‌تری از اف ۳۵ به امارات، توافق حاصل شود.

نه می‌توان درباره نقش اندیشکده‌ها در آمریکا اغراق کرد و نه می‌توان جایگاه آنها را نادیده گرفت، روش صحیح طرح موضوع آن است که با ساختار سیاسی آمریکا و پیچیدگی‌های آن آشنا شویم

این کارشناس حوزه روابط بین‌الملل اضافه کرد: سیاستمداران علاوه بر این‌که از اندیشکده‌ها و حامیان مالی آنها تاثیر می‌پذیرند، تحت‌تاثیر محیط‌های دیگر هم قرار می‌گیرند و ممکن است حامیان سیاستمداران، اندیشکده نداشته باشند اما از منابع مالی قوی برخوردار باشند و باید گفت اساسا سیستم سیاسی آمریکا به دلیل حضور متعدد ذی‌نفعان پیچیده است.

وی تاکید کرد: نه می‌توان درباره نقش اندیشکده‌ها در آمریکا اغراق کرد و نه می‌توان جایگاه آنها را نادیده گرفت، روش صحیح طرح موضوع آن است که با ساختار سیاسی آمریکا و پیچیدگی‌های آن آشنا شویم تا به دور از ساده‌سازی، سبک حکمرانی در ایالات متحده را تحلیل کنیم.

اتفاق نظر اندیشکده‌های آمریکایی در دشمنی با ایران

ایزدی با اشاره به اتفاق نظر اندیشکده‌ها، لابی‌های مختلف و همچنین سیاستمداران و سیاستگذاران آمریکایی در نحوه برخورد با ایران تصریح کرد: جمهوری اسلامی در آمریکا به هر دلیلی لابی ندارد و در مقابل، در ایالات متحده دشمنانی زیادی در حوزه اندیشکده‌ها، لابی‌های صهیونیستی و عربی و بنیادهای مالی دارد. به همین علت در ساختار سیاسی آمریکا دشمنی با ایران موضوعی است که روی آن اتفاق نظر وجود دارد.